

نوآوری در آموزش

نگاهی به روش همیاری در یادگیری و نقش معلم

اشاره

یادگیری از طریق همیاری^۱ یک چارچوب آموزشی است که در آن معلم گروه‌های دانش‌آموزی ناهمگنی را شکل می‌دهد تا به فعالیت بپردازند. هدف نهایی از کاربست الگوی تدریس یادگیری از طریق همیاری، دستیابی به فعالیت‌های عالی ذهنی است. در واقع، با وجود تفاوت‌های موجود در روش اجرای الگو، پنج عنصر در استفاده از الگوی یادگیری از طریق همیاری بسیار اساسی به نظر می‌رسند که عبارت‌اند از: «همبستگی مثبت، مسئولیت فردی، تعامل چهره به چهره، مهارت‌های اجتماعی و پردازش گروهی». این عناصر معلم را از سخنرانی صرف و دانش‌آموز را از تکرار بی‌مورد آموخته‌هایش رها می‌سازد. علاوه بر این، یادگیری از طریق همیاری فرصت‌هایی را پدید می‌آورد که دانش‌آموزان بتوانند در موقعیت‌هایی مانند کار گروهی، ارتباطات، ایجاد هماهنگی اثرگذار و تقسیم کار موفق شوند. بنابراین دانش‌آموز در گروه‌های یادگیری از طریق همیاری باید بیش از یادگیری در قالب الگوهای دیگر به فعالیت بپردازد. بسیاری از معلمان، فواید و اثرگذاری راهبردهای یادگیری از طریق همیاری را دریافته‌اند و معتقدند که این روش آموزشی، ضمن بهره‌مندی از ساختاری منظم، به اعضای تیم امکان می‌دهد مسئولیت یادگیری خود و افراد هم تیم را به عهده بگیرند، مهارت‌های ارتباطی خود را ارتقا بخشند و از یادگیری عمیق‌تر و معنادارتر بهره‌مند شوند. مقاله حاضر نقش معلم در روش یادگیری از طریق همیاری را به‌طور خلاصه بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها: یادگیری از طریق همیاری - نقش معلم - تشکیل و ترکیب گروه‌ها - ارزشیابی.

نقش معلم

نقش معلم در کلاس‌هایی که به صورت گروهی اداره می‌شوند، بسیار حساس‌تر از زمانی است که معلم در کلاس به عنوان انتقال دهنده دانش انجام وظیفه می‌کند و ارتباطی یکجانبه با دانش‌آموزان دارد. آمادگی و احاطه معلم به این روش، موفقیت این نوع یادگیری را بیشتر می‌کند. زمانی که مسئولیت یادگیری بر عهده گروه‌های یادگیری است، این اعضای گروه هستند که به یکدیگر کمک می‌کنند تا فرایند یادگیری به گونه‌ای مطلوب طی شود. البته معلم با استفاده از طرح‌های مختلف در کار گروهی، موقعیت‌های یادگیری را اداره می‌کند. از این جهت می‌توان او را مدیر یادگیری نامید.

بیان روشن اندیشه‌ها برای توافق در انجام فعالیت‌ها و استفاده مؤثر از زمان، از جمله مهارت‌های حمایت از برقراری ارتباط متقابل است. تمام افراد گروه باید یکدیگر را پشتیبانی، تشویق و کمک کنند. درباره نظریاتشان با یکدیگر به بحث بپردازند و با هم عمل کنند. بنابراین، معلم باید طوری عمل کند که ضمن ایجاد انگیزه یادگیری، این‌گونه مهارت‌ها نیز تقویت شود. معلم زمانی در کار گروه‌ها دخالت می‌کند که موانعی بر سر راه فعالیت‌های یادگیری گروه‌ها ببیند. این دخالت باید به گونه‌ای باشد که افراد گروه تشویق شوند راه حل مناسبی برای مشکلات آینده فعالیت‌های گروهی پیدا کنند. دخالت معلم باید آن‌قدر ظریف و دقیق باشد که به

معلم در فهم و اجرای فعالیت‌های یادگیری به دانش‌آموزان کمک می‌کند و بیشتر فعالیت‌های گسترده‌وی در خارج از کلاس درس، صرف تهیه مواد آموزشی می‌شود. بنابراین، بدیهی است هر معلمی نمی‌تواند مدیر یادگیری شود، مگر اینکه نگرش جدیدی نسبت به نقش خود پیدا کند. برای اینکه معلم به عنوان مدیر یادگیری بتواند در این‌گونه کلاس‌ها به‌طور مؤثر عمل کند، لازم است مهارت‌های خاصی کسب کند. این مهارت‌ها عبارت‌اند از:

الف) حمایت از ارتباط متقابل و مؤثر میان اعضای گروه

خوب گوش کردن به حرف‌های یکدیگر،



خوب گوش کردن به حرف‌های یکدیگر، بیان روشن اندیشه‌ها برای توافق در انجام فعالیت‌ها و استفاده مؤثر از زمان، از جمله مهارت‌های حمایت از برقراری ارتباط متقابل است

معلم محوری تبدیل نشود. برخی از موارد دخالت به قرار زیرند:

۱. اعلام محدودیت زمانی: اگر در

ابتدای فعالیتی، اعضای گروه در مورد زمان پایان فعالیت پرسش کردند، معلم باید دوباره برنامه را اعلام کند و از دانش‌آموزان بخواهد به موقع آن را به اتمام برسانند.

۲. توضیح عبارات: اگر اعضای گروه

در فهم و درک معنی عبارتی مشکل داشته باشند، معلم باید توضیح آن عبارت را در کلاس به بحث بگذارد و به اعضای گروه یادآوری کند که این مشکل باید با بحث کلاسی حل شود.

۳. تأکید بر انجام دادن همه مراحل

فعالیت‌ها: اگر گروهی قسمتی از یک فعالیت را انجام نداد، معلم باید علت آن را از دانش‌آموزان آن گروه جویا شود و سپس برای آن‌ها توضیح دهد که برای تکمیل فرایند یادگیری، تمام مراحل آن باید انجام شود.

۴. ادامه کار در صورت از فعالیت

بازماندن یک گروه: در صورتی که گروهی به موقع کار خود را انجام ندهد، معلم باید با گروه‌های دیگر کار را به پایان برساند تا گروهی که عقب مانده است، از آن به بعد محدودیت زمانی را رعایت کند.

۵. نظارت: معلم باید به عنوان مدیر

یادگیری بر فعالیت همه گروه‌ها به طور دقیق نظارت کند، زیرا وی مسئول کیفیت انجام و اجرای فعالیت‌های دانش‌آموزان است.

وظیفه دارد با آن فرد به طور خصوصی صحبت کند و تا آنجا که ممکن است به وی کمک کند تا در گروه فعال شود. گاهی اوقات فردی نمی‌تواند با گروه خود کار کند، در این صورت معلم می‌تواند با نظر و تشخیص خود، گروه او را عوض کند. البته معلم باید توجه داشته باشد که هرگز دانش‌آموزی را برخلاف میل خود، به همکاری با گروهی خاص وادار نکند.

ب) تشکیل و ترکیب گروه‌ها

معلم باید در مورد شیوه انتخاب گروه‌ها، تعداد آن‌ها و همگن یا ناهمگن بودن آن‌ها تصمیم بگیرد. همچنین، موقعیت نشستن دانش‌آموزان در کلاس بسیار مهم است. قرار گرفتن میز و نیمکت‌ها در کلاس باید طوری باشد که دانش‌آموزان بتوانند به راحتی دور آن بنشینند. وقتی دانش‌آموزان روبه‌روی یکدیگر قرار می‌گیرند، تمایل بیشتری برای کار گروهی نشان می‌دهند. معلم می‌تواند در مواردی

۶. نبود توافق در تصمیم‌گیری

بین اعضای گروه: هرگاه گروهی نتواند در مورد خاصی به توافق برسد و اعضای گروه به مخالفت با هم برخیزند، این وظیفه معلم است که فوراً دخالت کرده و تلاش کند علل اختلاف را با کمک اعضای گروه بررسی کند و اختلاف را از میان بردارد.

۷. رسیدگی به قوانینی که خود

اعضای گروه ابداع می‌کنند: اگر اعضای گروه کاری انجام دادند که خلاف هدف‌های گروه است، معلم باید دوباره هدف‌ها را به آن‌ها یادآوری نماید و اعضای گروه را قانع کند که روش ابداعی آن‌ها، اگر اجرا شود، گروه را از اهداف دور می‌کند.

۸. بررسی مشکلات گروه با افراد، یا

افراد با گروه: در صورتی که فردی از اعضای گروه عملکرد ضعیفی دارد و یا خود را برای انجام فعالیت‌ها به اندازه کافی آماده نمی‌کند، معلم

معلم همواره باید توجه داشته باشد که نوع سؤال او به طور غیرمستقیم مهارت چگونه سؤال کردن و چگونگی یادگیری (عمیق، سطحی، تحلیلی، انتقادی و...) را به دانش آموزان بیاموزد

جمع بندی

در روش یادگیری از طریق همیاری، معلم باید هوشیار و از کلیه فعالیت های گروهی در هر لحظه آگاه باشد و در آن واحد بتواند بر فعالیت چند گروه احاطه داشته باشد. در این روش، دانش آموزان نباید برای انجام هر کاری به معلم مراجعه کنند، بلکه باید آموزش ببینند که برای هدایت خویش و برای رسیدن به هدف های تعیین شده، از بینش و ابتکار خود بهره گیرند و تلاش کنند آنچه را می خواهند یا برایشان لازم است، یاد بگیرند. اگر معلم از دانش آموزان می خواهد خوب فکر کنند و با همیاری گروه یاد بگیرند و یا به پرسش ها پاسخ دهند، باید به آن ها کمک کند تا خودشان یاد بگیرند و به طور مستقیم به پرسش های آنان پاسخ ندهد. به طور یقین، اجرای موفق این روش در گروه ها، هماهنگی فکر، احساس و عمل معلمی است که فرایند یادگیری را اداره و اجرا می کند و سعی دارد از دانش آموزان شهروندانی متخصص و متعهد بسازد تا در ارتباط و کنش متقابل با دیگران موفق باشند. نکته آخر اینکه در این روش معلم همواره برای دانش آموزان خود یک الگوست. بنابراین، در تمام فعالیت های کلاس باید با دانش آموزان به گونه ای برخورد کند که انتظار دارد آن ها رفتار کنند.

* پی نوشت

1.cooperative learning

* منابع

۱. اکبری شلدرهای، فریدون و همکاران (۱۳۹۰). روش های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن ها در آموزش. چاپ چهارم. فرنا تب. تهران.
۲. حائری زاده، خیره بیگم و همکاران (۱۳۹۱). یادگیری از طریق همیاری. چاپ هفتم. نشر نی. تهران.

معلم باید موارد زیر را انجام دهد:

۱. نکاتی را که به توضیح بیشتری نیاز دارد، برای دانش آموزان و به کمک آن ها جمع بندی کند.
۲. جمع بندی توسط معلم می تواند به شکل های گوناگون صورت گیرد، ولی در هر حال باید کیفیت آموزش را کنترل کند؛ مثلاً می تواند با توجه به قوی و ضعیف بودن گروه ها، یا سؤال هایی درک و فهم دانش آموزان را بیازماید، یا گروه های مختلف را به طور تصادفی مورد سؤال قرار دهد و یا از آن ها بخواهد نکات مهم درس را به طور خلاصه بیان کنند.
۳. برگزاری آزمونی کتبی یا شفاهی و تا حد امکان تشریحی یا توضیح دانی و به صورت فردی، که تمام موضوع درس را تحت پوشش قرار دهد نیز بسیار مفید است. این آزمون می تواند به صورت یک فعالیت عملی، مانند رسم یک نمودار، حل یک مسئله یا ساخت یک وسیله باشد.
۴. معلم همواره باید توجه داشته باشد که نوع سؤال او به طور غیرمستقیم مهارت چگونه سؤال کردن و چگونگی یادگیری (عمیق، سطحی، تحلیلی، انتقادی و...) را به دانش آموزان بیاموزد.
۵. معلم باید بپذیرد که کلیه فعالیت های یادگیری مهم هستند و ضمن توجه به آموزش مهارت ها، نگرش ها و مفاهیم علمی، برای پرورش و گسترش آن ها باید برنامه ریزی منظمی داشته باشد.
۶. در صورت ضرورت، معلم می تواند خود به تنهایی نکات درس را جمع بندی کند.
۷. معلم در پایان درس می تواند ذهن دانش آموز را با موضوع درس جلسه آینده درگیر کند. این درگیری ذهنی با یک سؤال واگرا، مشاهده یک منظره، تفکر درباره طراحی یک مسئله و یا موارد دیگر ایجاد می شود تا دانش آموز جلسه بعد با فکر آماده تر به کلاس بیاید.

انتخاب گروه ها را به خود دانش آموزان بسپارد یا گاهی گروه ها را به صورت تصادفی انتخاب کند؛ البته اگر دانش آموزان گروه های شان را خودشان انتخاب کنند، انگیزه بیشتری ایجاد خواهد شد و فعالیت های گروهی بهتری انجام خواهد گرفت. تعداد اعضای گروه ها به هدف انجام فعالیت ها بستگی دارد که چگونگی آن به شرح زیر است:

۱. اگر فقط گوش دادن به دیگران مورد نظر است، تعداد اعضای گروه زیاد هم باشد، اشکالی ندارد.
۲. اگر مقدار موضوع درسی وسیع باشد، گروه های ۴ تا ۶ نفره مناسب خواهند بود.
۳. اگر تعداد اعضای گروه کمتر از ۴ نفر باشد، ممکن است انگیزه علمی کافی ایجاد نشود.
۴. اگر اعضای گروه بیش از ۶ نفر باشد، ممکن است هر عضو وقت بسیار کمتری برای شرکت در بحث ها پیدا کند.
۵. نوع هدف از انجام فعالیت های یادگیری، بر انتخاب همگن یا ناهمگن بودن اعضای گروه اثر می گذارد.
۶. گروه ناهمگن گروهی است که سطح توانایی دانش آموزان آن بالا، متوسط و پایین است. این نوع گروه بندی تفکر واگرا را بیشتر تقویت می کند. اگر بحث و اختلاف نظر بیشتر مورد تأکید است و دانش آموزان را بهتر به هدف می رساند، بهتر است گروه ها به شکل ناهمگن تشکیل شوند.
۷. گروه همگن گروهی است که دانش آموزان آن از نظر توانایی هم سطح هستند. اگر هدف از یادگیری تسلط در مهارت های خاصی باشد، این نوع گروه بندی مناسب است.

پ) ارزشیابی پایانی

یکی از وظایف مهم معلم به عنوان مدیر یادگیری این است که در پایان فعالیت های دانش آموزان در کلاس، از میزان یادگیری آن ها اطمینان حاصل کند. برای این کار